

جادهی تارا

Binchy, Maeve
978-600-182-272-8
Tara Road, C 1998
نویسنده: مائیو بنچی
مترجم: اسدالله امرایی
WWW.ketabsarayatandis.com

نویسنده: مائیو بنچی

مترجم: اسدالله امرایی

محقق: اکرم سراسر

چاپ اول (پرست دوم): تابستان ۱۳۹۶

تهران: ۱۳۹۶

چاپ: نهم

صفحات: ۱۲۰



ISBN: 978-600-182-272-8

کتابسرای تندیس

این اثر حقوق محفوظ است. هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازهی کتابسرای تندیس قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فوکی، اسکن، انجمن، اینترنت، فیلد و صدا نیست. این اثر تحت پوشش قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فصل اول

مادرِ رایا همیشه جانش درمی‌رفت برای هنرپیشه‌ها. همیشه هم از این موضوع دلخور بود که رایا روزی به دنیا آمده بود که کلارک گیبل مُرد. تایرون پاور درست دو سال پیش از آن روزی مُرد که هیلاری به دنیا آمد. البته آن قدرها هم بد نبود. هیلاری سلاطینِ سینما را به اندازه‌ی رایا ندیده بود. رایا هیچ‌وقت نمی‌توانست بریادرفته را بدون احساسِ شرمساری تماشا کند.

این حرف را به کین موری گفت؛ اولین پسری که او را با اظهار محبت خود به سکوت خوانده بود. در واقع درست همان لحظه‌ای که با نرمای لب او را به سکوت وامی‌داشت حالی‌اش کرد.

کین دستش در کار بود و در همان حال به او گفت: «تو خیلی ضدِ حال هستی.»

رایا هیجان‌زده داد زد: «تخیر اصلاً هم ضدِ حال نیستم. کلارک گیبل را بین روی صحنه چه کار می‌کند.»

گفتم خیلی جالب است. اتفاقاً از قضا اصلاً ضدِ حال نیستم.

کین موری دست‌وپای خود را گم کرد، چون خیلی‌ها حواس‌شان به آن‌ها بود. عده‌ای هیس‌هیس می‌کردند، یک دسته هم هرهر می‌خندیدند. کین کنار کشید و